

نگاهی به فیلم جذاب و دلهره آور شیطان ٹوئی



نمایش زیبایی به مثابه یک دیو

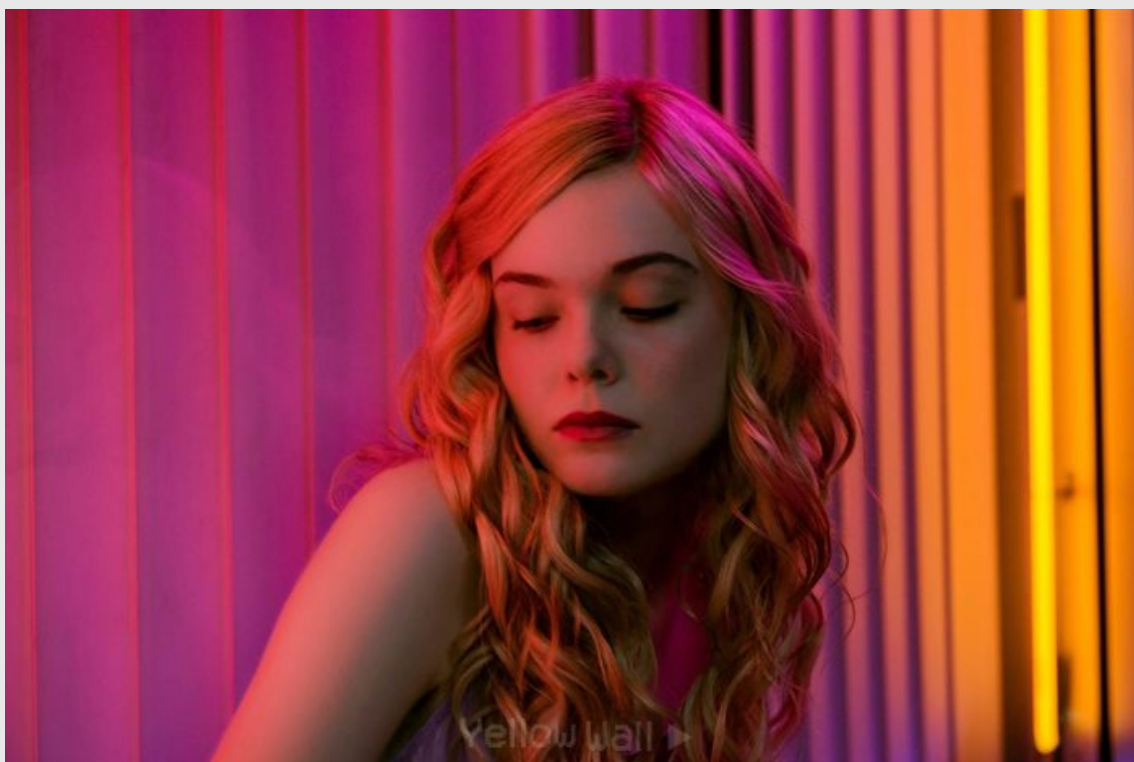


«تو رویای من هستی» نام آهنگی است که فیلم رویایی «فقط خدا می بخشد» ساخته نیکلاس ویندینگ رن، نویسنده و کارگردان دانمارکی را به پایان می رساند. این عنوان آهنگ می تواند به همین راحتی سوآلی باشد که جسی (ال فانینگ)، یک مدل لباس نوپا و قهرمان اصلی «دیو نئون»، مطرح می کند. مانند «فقط خدا می بخشد»، شیطان نئونی قهرمانی را دنبال می کند که در آستانه غرق شدن در رویای خود قرار دارد. جسی آخرین قربانی اعتیاد به خود است. یک زن جوان خودپسند اما خجالتی که متقاعد می شود که به همان اندازه خطرناک و در عین حال محبوب است که دیگران به او می گویند. جسی هرگز از یک لوح سفید بودن دست نمی کشد زیرا تصور می کند بیش از آنچه فکر می کند کنترل داستان افسانه ای تاریک و غیرعاشقانه اش را در دست دارد. در این مقاله [پیلووال مدیا](#) ، به سراغ بررسی این اثر سینمایی دلهره آور درباره دنیای خشن مد و فشن رفته ایم. با ما همراه باشید.

روایت یک زیبای جاه طلب

به جسی گفته شده که او یک استعداد طبیعی است. او این ستایش را با احتیاط، اما با جدیت دریافت می کند. او می خواهد باور کند که آنقدر خوب است که در سن 16 سالگی توسط یک آژانس مد برتر قرارداد امضا کند. بنابراین او امضای والدینش را در یک رضایت نامه جعل می کند و به خود اجازه می دهد تا به دنیایی کشیده شود که توسط مدل های مغرور و طراحان اغفالگر، و عکاسان کلاش اداره می شود. جسی هرگز از تکیه بر افراد دیگر دست نمی کشد، اما رابطه او با عکاس آماتور دین (کارل گلوسمن) زمانی که متوجه می شود که او همان چیزی است که همه آرزوی بودنش را دارند تبدیل به مشکل می شود. شیطان نثونی از این نظر درباره تلاش جسی برای تبدیل شدن از یک زیبای ترسو که رویای آسمان باز را می بیند به یک شکارچی خود شیفته است، کسی که بی پروا پل ها را خراب می کند زیرا می داند او را می خواهند

یک روایت دو وجهی



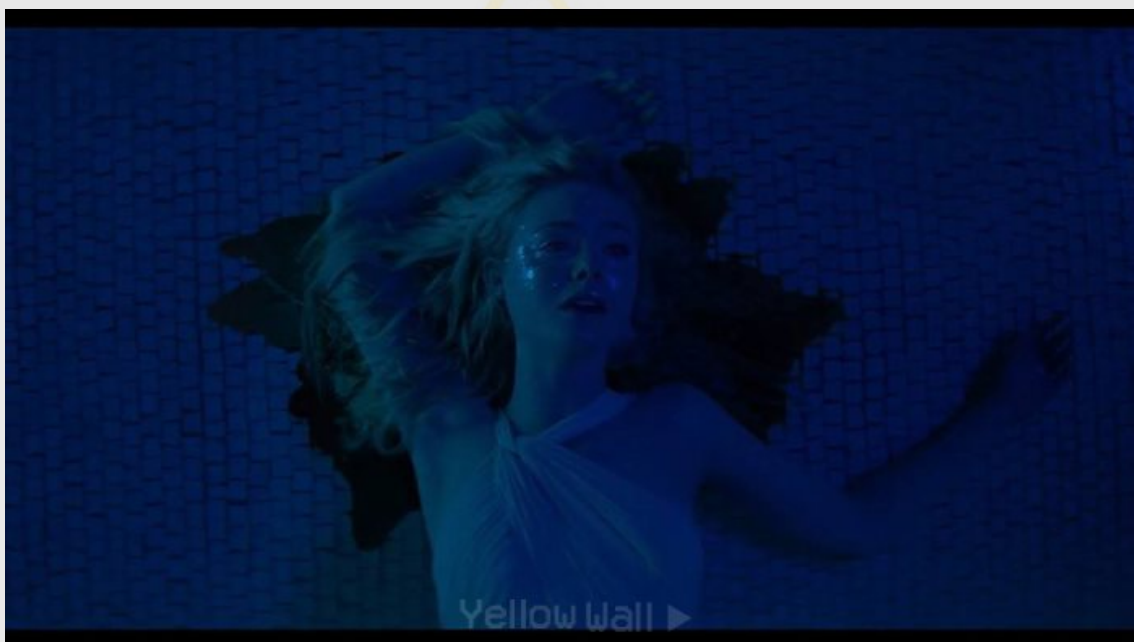
روایت جسی همیشه نیمه واقع گرایانه و نیمه رویاگونه است، زیرا شخصیتی را دنبال می کند که بین دو ذهنیت گیر کرده است: قدرت و توجهی را که او دریافت می کند به عنوان نشانه ای از ارزش خودش بپذیرد یا در دنیایی بی آبرو زندگی کند که در آن همه تلاش می کنند یکدیگر را استثمار کنند.

حتی دین، مهربان ترین شخصیت در فیلم، تنها چند گام از تبدیل شدن به طراح مد مشهور (الساندرو نیوولا) که همکاران جسی را به خاطر خوب بودن و شگفت انگیز نبودن تحقیر می کند، فاصله دارد. همه از جسی چیزی می خواهند که باعث می شود او نتواند رابطه ای داشته باشد که پایان غم انگیزی نداشته باشد.

در طول فیلم شیطان نئونی جسی سعی می کند خودش را اثبات کند و این باعث می شود که دین و روبی، آرایشگر نگران، باید به چیزی بیشتر از یک نقش فرعی تبدیل شوند. در نهایت همه افراد در فیلم، شامل هنرمند مغرور نیوولا و کارکتر مالک متل کیانو ریوز، مبارزه درونی جسی را منعکس می

کنند. اما هر چه این شخصیت‌ها بیشتر کنترل را از جسی در دست بگیرند، کمتر جذاب می‌شوند. ما تعداد زیادی نسخه مختلف از این ویژگی‌ها (هوس و ناامیدی سیری ناپذیر) را در دوستان جسی می‌بینیم. اما این ویژگی‌ها از طریق صحنه‌های اغراق شده و بیش از حد بیان می‌شوند به طوری که در نهایت خیلی آسان می‌توان از صحنه‌های کابوس وار عبور کنیم.

چرا شیطان نئونی را ببینیم؟



علیرغم همه این‌ها، شیطان نئونی چندین لحظه از زیبایی شگفت‌انگیز را به نمایش می‌گذارد. برخی از صحنه‌ها با دیالوگ به یاد ماندنی و چندین سکانس رویایی، لحظاتی هستند که رفتن به وضوح تأثیرات خود را نشان می‌دهد، اما احتمالاً تصادفی نیست که جسی در آن صحنه‌ها گمشده‌تر به نظر می‌رسد. شیفتگی رفتن به خطوط و حالات روی صورت فانتینگ در دو سکانس کت واک به ثمر می‌رسد که در یک کلپ شبانه مدرن اتفاق می‌افتد. رگه‌هایی از نور سفید، اهرام مرموز، فلاش‌های قرمز و پس‌زمینه سیاه جوهری وحشتناکی در این صحنه‌ها حکومت می‌کنند.

چندین تبادل بین جسی و مدل‌های همکاری نیز با وجود دیالوگ شلوغ و پرتنش رفتن قوی است.

فانینگ باعث می‌شود که قربانی منفعل/هیولای رفن شبیه یک فرد واقعی باشد که اتفاقاً یک فرافکنی غیرواقعی است. صحنه‌هایی که جسی مطیع است اتفاقاً صحنه‌هایی است که در آن‌ها به بهترین وجه عمل می‌کند، زیرا آنها احساس واقعی تری به مخاطب می‌دهند. بنابراین می‌توان گفت شیطان نئونی تنها زمانی کار می‌کند که رفن حد وسط مناسبی را بین اشاره‌های تلویحی و صریح فیلمش پیدا کند.

منبع: وبسایت [rogerebert](http://rogerebert.com)

نویسنده: نوشین تقی‌لی